

وقف پول^۱

مهديه رضایی^۲، سید محمد صدیقی^۳، محمدرضا آقاچانی قناد^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۶/۲۰ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۷/۱۳)

چکیده

در متون اسلامی وقف پول بیشتر به عنوان «وقف درهم و دینار» بوده، زیرا پول در دوره‌های اولیه اسلامی در همین دو، منحصر می‌شده است. تعریف ارائه شده از سوی فقها برای وقف موجب شده است تا وقف به اعیانی منحصر شود که انتفاع از آنها موجب تلف در آنها نباشد و نتیجه آنکه گسترش دایره وقف و تجهیز بسیاری از دارایی‌ها در غالب آن ناممکن شده است. امروزه با توجه به ماهیت اعتباری پول‌ها، این سؤال مطرح می‌شود که آیا وقف پول مشروع است؟

اگرچه اصل موضوع وقف، مورد پذیرش بیشتر جوامع (تحت عناوین مختلف) بوده، امروزه از مهم‌ترین مسائل، اختلاف در حوزه اموال وقفی است که ضرورت بازنگری در مسائل فقهی، حقوقی و اقتصادی آن بر کسی پوشیده نیست. از سوی دیگر تعریف ارائه شده از سوی فقها و اندیشمندان شیعی، مبنی بر «حبس عین مال» موجب شده است تا موضوع در اعیان منحصر شود، لیکن با لحاظ تحولات اقتصادی و اینکه امروزه در عرصه‌های اقتصادی، مال معانی بسیار گسترده‌تر از آنچه پیش از این می‌دانستیم یافته است، می‌توان ادعان داشت تحدید وقف به اعیان، امکان بازنگری دارد و با توجه به مقتضیات زمان، تصور سنتی از ضرورت بقای مال در صورت استفاده نیز قابل بررسی و اصلاح است.

کلید واژه‌ها: اتلاف، عین، فقهی، وقف پول.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی فقهی وقف پول از دیدگاه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت» دانشگاه پیام نور مرکز قم است.
۲. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور واحد قم.
mahdieh.rezayi@yahoo.com
۳. هیأت علمی و مدیر گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب. (استاد مشاور)
۴. هیأت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور جعفریه. (استاد راهنما)

مقدمه

سنت حسنة وقف به‌عنوان یکی از مؤثرترین راه‌های همیاری در طول تاریخ همواره پشتوانه اقتصادی اهداف متعالی انسان در جوامع بشری بوده و همیشه به شکل‌های گوناگون از جمله وقف خانه و زمین وجود داشته است. دامنه موقوفه‌ها گسترده‌تر از املاک و اموال ثابت است و دارایی‌های منقول را هم شامل می‌شود. پول به‌دلیل رواج بسیار و آسان بودن دسترسی به آن، در میان اموال منقول جایگاه ویژه‌ای دارد. بیشتر فقهای امامیه در صورتی وقف را صحیح می‌دانند که عین یا اصل موقوفه در اثر انتفاع از بین نرود. واقفان، به پول به‌دلیل قابلیت انتقال و مصرف آن توجه نداشتند. امروزه ظرفیت‌های مالی مناسبی برای وقف و نیکوکاری وجود دارد. ولی وجود موانع فقهی و قانونی و نبود بسترهای مناسب فرهنگی سبب محدودیت نهاد وقف می‌شود. هنوز فقه ما تعریف جامعی از «*تحبیس الأصل و تسبیل المنفعة*» بر اساس تحول روزگار نداده است؛ با اینکه ماهیت پول و اقتصاد تغییر یافته است و فقه اسلامی ظرفیت کاملی برای تحول و پاسخ به مشکلات روز دارد، پاره‌ای از موانع کلامی و روشی بر سر راه تحول آن وجود دارد که پاسخ‌دهی به برخی مشکلات روز را دشوار کرده است.

تعریف وقف

«وقف» در لغت به صورت‌های گوناگون تعریف شده است که قدر جامع همه آنها به معنای ایستادن، درنگ کردن و حبس کردن است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۹: ۳۵۹؛ قیومی‌المقری، بی تا: ۳۴۴؛ أحمدبن فارس، ۱۳۹۹: ۱۳۵؛ سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۱۲: ۲۷؛ ملیباری، ۱۴۱۸: ۱۸۹).

با وجود کاربرد بسیار عبارت «*صدقة جاریة*» در احادیث و عدم کاربرد کلمه وقف در صدر اسلام در بیان فقها، کلمه «وقف» بر صدقه ترجیح داده شده است و در تعاریف آن عمدتاً به دو تعریف «*تحبیس الأصل و اطلاق المنفعة*» یا «*تحبیس الأصل و تسبیل المنفعة*» تأکید شده است. اغلب وقف را حبس کردن اصل مال و رها کردن منفعت آن می‌دانند و سند اکثرشان در تعریف وقف، حدیث نبوی «*حبس الأصل و سبیل المنفعة*» است (شیخ طوسی، الخلاف، ج ۳: ۵۳۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۳۱: ۱۲۳؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۱۵۲؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۳۱؛ ملیباری، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۸۶؛ زهری الغمراوی، سراج الوهاج علی متن المنهاج، ج ۳: ۴۶؛ سرخسی، ۱۴۰۶، ج

۱۲ف: ۲۷؛ ابن نجیم مصری، بی تا، ج ۵: ۳۱۳؛ حصکفی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۳۲؛ ابن قدامه، شرح الکبیر، ج ۶: ۱۸۵؛ دمشقی صالحی، الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، باب ۷: ۵؛ طرابلسی، مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل، ج ۷: ۶۲۶؛ کببسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۰۲). مراد از «حبس الأصل» یعنی منع از تصرف در آن به تصرف ناقله و منظور از «تسبیل» این است که واقف از استفاده منافع به طور شخصی صرف نظر و مقدر کند که در راه خدا و امور خیریه مصرف شود (محقق کرکی، ۱۴۱۰: ۶۱؛ مذنی، بی تا: ۱۳۳). در وقف ملک و مال، هر نوع منفعت و سودی برای خود شخص ایستاده و متوقف می شود و منافع آن فقط در راه خدا خواهد بود؛ بنابراین وقف، متوقف کردن مالکیت شخصی و عمومی کردن منافع آن در راه خدا و برای مردم؛ همچنین عدم امکان انتقال آن به صورت هایی مانند معامله، خرید و فروش، هبه، ارث و غیره است.

پول در لغت

مرحوم علامه دهخدا در تعریف پول می نویسد: «زر، سیم یا هر فلز دیگر مسکوک و رایج و اسکناس» (دهخدا، نرم افزار لغت نامه دهخدا).

در فرهنگ عمید و فرهنگ معین در عباراتی مشابه آمده است: «قطعه ای از طلا، نقره، مس یا هر فلز دیگر که از طرف دولت سکه زده می شود» [عمید، ذیل «پول»؛ معین، ج ۱، ذیل «پول»]. در فرهنگ بزرگ سخن آمده است: «شیء فلزی یا کاغذی با واحدی مشخص، اعتبار آن به علت ارزش خود آن شیء (مانند پول، طلا و نقره) و یا به علت ارزش پشتوانه آن (مانند اسکناس) است» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۴۵۲).

پول در اصطلاح اقتصاددانان

برخی پول را بر اساس وظایف آن تعریف کرده اند که معمولاً فرم پول اعتباری (قراردادی) یا پول کاغذی را به خود می گیرد که هیچ ارزش کالایی ندارد، اما به عنوان وسیله مبادله پذیرفتنی است. بنابراین تعریف پول شامل پول نقد، مسکوکات و سپرده های بانکی تجاری است (سابراتاگاتاک، ۱۳۷۷: ۵ و ۶).

همچنین در تعریف پول آورده اند: «پول وسیله مبادله در بازار»، «قدرت خرید برای افراد» و بالاخره «ابزار سیاست اقتصادی برای دولت» است (تاجداری، ۱۳۸۷: ۲۰۱). با دقت در این تعاریف می توان دریافت که حتی توافقی تقریبی درباره تعریف این کلمه

وجود ندارد. زمانی که پول کالایی فلزی و اسکناس در جریان شد، عرف و عقلا، خود آن اشیا را بدون ارزش مبادله‌ای عام، پول نمی‌دانند؛ بلکه آن اشیا را با ضمیمه ارزش مبادله‌ای عامشان به‌عنوان پول می‌پذیرند.

ویژگی پول امروز و پول دیروز

اول) پول مرسوم دیروز یعنی درهم و دینار (طلا و نقره)، دارای ارزش ذاتی بودند. یعنی به‌خودی خود دارای مرغوبیت و ارزش بودند و افراد نیز تمایل در به‌دست آوردنشان داشتند.

دوم) در پول امروزی و اسکناس، شکل ظاهری مورد توجه افراد نیست، بلکه ارزش اعتباری آن در نظر است و به همین علت است که ارزش پول در صور مختلف آن یکی است و موجب رضایت گیرنده پول می‌شود. به‌عنوان مثال برای افراد یک قطعه اسکناس پنج هزار تومانی با پنج قطعه اسکناس هزار تومانی تفاوت ندارد یا اگر شخص در قرض کردن، مبلغ پنجاه هزار تومان به‌صورت ده فقره اسکناس پنج هزار تومانی اخذ و موقع پرداخت بیست و پنج عدد اسکناس دو هزار تومانی تحویل دهد، قرض‌دهنده به‌راحتی آن را می‌پذیرد و تفاوتی احساس نمی‌کند.

مالیت پول

به‌طور کلی مالیت در اشیا به دو صورت تصورپذیر است. برخی از اشیا ذاتاً مالیت دارند، مانند برنج، گوشت و غیره و برخی دیگر مالیتشان اعتباری است و اگر قانونگذار جعل مالیت نکرده باشد، هیچ ارزشی ندارند، این نوع مالیت‌ها تابع اعتبار و قرارداد هستند.

پول نیز دو گونه است. گاهی منشأ مالیت آن امری عینی و خارجی است، از قبیل سکه‌های طلا و نقره و گاه منشأ مالیت پول اعتباری است؛ به این معنا که دولت به پول اعتبار حقوقی می‌بخشد و در این‌صورت پول حاصل یک اعتبار حقوقی محض خواهد بود. پول‌های عصر ما از این قبیل است و برای صحت اعتبار پشتوانه‌ای لازم نیست.

بنابراین با توجه به اعتباری بودن مالیت پول‌های امروزی، این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان آن را وقف کرد؟

چگونگی وقف پول

وقف پول حداقل به دو شکل بانک و صندوق تصور می‌شود.

الف) بانک وقف پول

بانک وقف پول، نوعی از بانک است که پول‌های وقف شده را جمع‌آوری می‌کند و منافع آن را در راهی که واقفان اعلام کرده‌اند، به مصرف می‌رساند.

برای انتفاع از پول موقوفه لازم است با آن فعالیت اقتصادی انجام شود. از مناسب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی، اعطای آن به افراد مطمئن مانند تاجران، کاسب‌ها و تولیدکنندگان است. بانک در نقش سرمایه‌گذار و تاجر، کاسب و تولیدکننده در نقش عامل، قراردادی در چارچوب عقود اسلامی، مثل مضاربه منعقد می‌کنند و سود به‌دست آمده، میان آنها تقسیم می‌شود. سود برگشتی به بانک پس از کسر هزینه‌های بانک و پس‌انداز مبلغی برای حفظ ارزش پول در صورت وجود تورم، به مصارفی می‌رسد که واقفان اعلام کرده‌اند.

با توجه به اینکه تورم ارزش پول را کاهش می‌دهد، لازم است مقداری از سود را به اصل سرمایه بازگردانند تا ارزش اولیه آن حفظ و بقای پول موقوفه تضمین شود. در این صورت مشاهده خواهد شد که عده‌ای حتی با پول اندک می‌توانند در فراهم شدن مبالغ هنگفتی سهم داشته باشند و از اصل سرمایه، گروهی که برای کار به سرمایه نیاز دارند، بهره‌مند شوند و از منافع آن نیز محرومان سود ببرند.

ب) صندوق قرض الحسنه وقف

این صندوق شکل دیگری از وقف پول است که در آن واقفان پول، مبلغی را برای قرض به نیازمندان وقف می‌کنند. از منافع پول موقوفه این است که می‌توانند به بیماران، جوانان در حال ازدواج و کسانی که در شرایط نامناسب مالی هستند، با قرض دادن یاری کنند، مسلماً با بازپرداخت قرض، اصل پول وقف‌شده در صندوق باقی خواهد ماند.

اشاره‌ای به ارکان وقف و شرایط مال موقوفه

چنانکه می‌دانیم به اتفاق تمام مذاهب اسلامی، وقف دارای چهار رکن است: صیغه، واقف، عین موقوفه و موقوف‌علیه (مغنیه، ۱۴۰۴، جزء ۴۰: ۱).

در شرع بیان شده است که هر یک از این چهار رکن، باید دارای شرایط شرعی خاص خود باشند تا وقف به صورت صحیح تحقق یابد (زحیلی، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ۷۶۰۶؛ ابن جزئی، قوانین الفقهیه: ۳۹۶؛ خطیب شربینی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۶؛ البهوتی، کشاف القناع عن متن القناع، ج ۴: ۲۶۷؛ الکریمی المقدسی، ج ۲: ۲۹۹).

توضیح ارکان چهارگانه وقف و شرایط خاص هر یک، از حوصله این تحقیق خارج است و فقط اشاره‌ای به شرایط مال موقوفه می‌کنیم:

۱. عین باشد؛
 ۲. با بقای عین بتوان از آن انتفاع برد؛
 ۳. ملک واقف باشد نه ملک دیگری؛
 ۴. به قبض دادن آن ممکن باشد (مغنیه، جزء ۴۰: ۵۸۸).
- در این نوشتار به بررسی و نقد دلیل اول در مورد وقف پول می‌پردازیم.

دلیل اطلاق عین نزد فقیهان امامی

اغلب فقیهان امامیه (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۶۵؛ محقق حلی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۵۶؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج ۵: ۳۱۸؛ سبزواری، جامع الخلاف و الوفاق، ج ۲: ۳۶۶؛ طباطبائی یزدی، تکملة العروة الوثقی، ج ۱: ۲۰۵) از جمله شروط مال موقوفه را آن دانسته‌اند که باید از اعیان باشد.

به‌عنوان نمونه شیخ طوسی در مبسوط، دلیل بطلان وقف درهم و دینار را این‌گونه بیان می‌کند:

«أما الدنانير والدرهم فلا يصح بلا خلاف، و من قال يصح وقفها وهو شاذ، وإنما قلنا لا يجوز لأنه بالمنفعة لهما مقصوده غير التصرف فيهما؛ وقف درهم و دینار صحیح نیست و در آن مسئله بین علمای شیعه خلافتی نیست؛ بله، قول به صحت وقف آن دو میان اهل سنت وجود دارد، ولی شاذ است. دلیل بر بطلان وقف آن دو این است که منفعت مقصود از آن دو جزء با تصرف در آنها حاصل نمی‌شود (و این تصرف موجب اطلاق آنها می‌گردد)» (طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳: ۲۸۸).

صاحب مسالک‌الافهام (شهید ثانی، بی‌تا، ج ۵: ۳۱۸)، صاحب غنیه (ابن زهره، ۱۴۴۰: ۵۴۱)، صاحب سرائر (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳: ۱۵۴) و سبزواری در جامع‌الخلاف و الوفاق (سبزواری: ۳۶۹) نیز مشابه همین عبارت را آورده‌اند.

ابن براج نیز در «مهذب البارع» علت بطلان وقف درهم و دینار را چنین بیان می‌کند: «لایجوز وقف ما لاینتفع به إلا باستهلاك عینه کالدنانیر والدرهم وما یؤکل ویشرب وما أشبه ذلك» (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۸۷) وقف آنچه انتفاع از آن موجب استهلاك و اتلاف عین آن است، جایز نیست، مانند درهم و دینار و خوردنی و آشامیدنی و مانند آن».

ابن سعید نیز در «جامع الشرایع» مانند همین تعبیر را ذکر کرده است (ابن سعید، ۱۴۰۵: ۳۶۹). آیت‌الله محمدرضا گلپایگانی (گلپایگانی، بی‌تا، ج ۲: ۲۷۲ و ۲۷۳) نیز علت بطلان وقف پول را ثابت نماندن اصل پول می‌داند؛ همچنین آیت‌الله مکارم شیرازی (www, makaremeshirazi. orj/Persian/estefta) به علت مصرف عین پول در صورت وقف آن، چنین وقفی را صحیح نمی‌داند.

دلیل اتلاف عین نزد فقیهان حنفی

«وقف ما لاینتفع به الا بالاتلاف کالذهب والماکول والمشروب فغیر جائز فی قول عامة الفقهاء والمراد بالذهب والفضة الدرهم والدنانیر وما لیس بحلی (سیوسی، بی‌تا، ج ۶: ۲۱۸؛ ابن نجیم، بی‌تا، ج ۵: ۲۱۹). وقف آنچه انتفاع از آن موجب اتلافش می‌گردد؛ مانند طلا و نقره، خوردنی و آشامیدنی در نزد همه فقهاء، جایز نیست، مراد از طلا و نقره نیز درهم و دینار و غیر زیور آلات می‌باشد».

دلیل اتلاف عین نزد فقیهان شافعی

ابن همام (ابن همام، بی‌تا، ج ۵: ۴۳۱) در شرح فتح‌الغدیر از قول «شافعی» این‌گونه نقل می‌کند:

«قال الشافعی کل ما امکن الانتفاع به مع بقاء اصله ویجوز بیعه، یجوز وقفه، وهذا قول مالک وأحمد ایضا، وأما وقف ما لا ینتفع به الا بالاتلاف کالذهب والفضة والماکول والمشروب فغیر جائز فی قول عامه الفقهاء والمراد بالذهب و الفضة والدرهم والدنانیر وما لیس بحلی؛ (همان). شافعی می‌گوید هر آنچه که انتفاع از آن با بقای عین آن ممکن بوده و بیع آنها جایز باشد، وقفش جایز است، اما وقف آنچه

انتفاع از آن موجب اتلافش می‌گردد؛ مانند طلا و نقره، خوردنی و آشامیدنی در قول عامه فقها، جایز نیست، مراد از طلا و نقره نیز درهم و دینار و غیر زیور آلات می‌باشد). در «اعانة الطالبین» نیز علت بطلان وقف درهم و دینار، اتلاف و معدوم شدن درهم و دینار و عدم بقای عین آنها در صورت وقف بیان شده است (دمیاطی، بی‌تا، ج ۳: ۱۵۸). محمد بن ابی‌العباس رملی (رملی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۳۶۰ و ۳۶۲)؛ خطیب شربینی (خطیب شربینی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۷) و علامه ابوالحسن الماوردی (ماوردی، بی‌تا، ج ۷: ۱۲۹۹) نیز برای بطلان وقف پول به همین دلیل اشاره کرده‌اند.

دلیل اتلاف عین نزد فقیهان حنبلی

زحیلی ضمن بیان نظریه حنابله در آنچه وقف آن جایز است، وقف درهم و دینار را در زمره موارد بطلان وقف نزد آنان ذکر کرده است و می‌نویسد:

«قد وضع الحنابله و غیرهم ضابطا ما یجوز وقفه وما لا یجوز، فقالوا: الذی یجوز وقفه هو کل ما جاز بیعه و جاز الانتفاع به مع بقاء عینه، وکان اصلا یبقی بقاء متصلا كالعقار والحيوانات والسلاح والثالث واشبهه ذلك وما لا ینتفع به الا بالاتلاف مثل الدنانیر والدراهم (النقود) وما لیس بحلی، والماکول و المشروب والشمع واشباهه، لایصح وقفه فی قول عامه الفقها، لان الوقف تحبیس الأصل وتسبیل الثمرة، وما لا ینتفع به الا بالاتلاف لایصح فیہ الوقف؛ لانه لا یمکن الانتفاع به علی الدوام (زحیلی، ۱۴۰۵، ج ۸: ۱۶۲)، حنابله و دیگران ضابطه‌ای را برای مال موقوف ذکر کرده و می‌گویند: وقف هر آنچه که بیع آن جایز است و انتفاع از آن با بقای متصل عین آن ممکن می‌باشد؛ مانند عقار و حیوان و سلاح و اثاثیه و نظایر آن، صحیح است. اما آنچه که انتفاع از آن موجب اتلافش می‌گردد، مانند نقود و خوردنی و آشامیدنی و شمع و نظایر آن، در نزد همه فقها وقفش صحیح نیست. زیرا وقف، تحبیس اصل و تسبیل ثمره است، از این رو آنچه که انتفاع از آن موجب اتلافش می‌شود، وقفش صحیح نیست، چون انتفاع دائمی از آن ممکن نیست».

ابن قدامه نیز در معنی می‌نویسد: «ما لا ینتفع به الا بالاتلاف مثل الذهب و الورق و الماکول و المشروب فوقه غیر جائز؛ آنچه که انتفاع از آن موجب اتلاف آن می‌شود، مانند طلا (دینار)، اسکناس، خوردنی و نوشیدنی، وقف آن جایز نیست» و نیز آورده است: «وجملته ان ما لا یمکن الانتفاع به مع بقاء عینه کالدنانیر والدراهم

والمطعموم والمشروب والشمع واشباهه لا يصح وقفه في قول عامه الفقهاء وأهل العلم؛ آنچه که انتفاع از آن با بقای عین آن منافی است، مانند دینار و درهم و خوردنی و آشامیدنی و شمع و مانند آن، وقف آن در قول تمام فقها و اهل علم صحیح نیست» (ابن قدامه، المغنی والشرح الكبير، ج ۸: ۲۶۲).

حنابله وقف درهم و دینار را جایز ندانسته‌اند و دلیلشان مخالفت با ماهیت وقف است، با این استدلال که: «آنچه که انتفاع از آن موجب اتلافش می‌گردد؛ مانند نقود و خوردنی و آشامیدنی و شمع و مانند آن صحیح نیست؛ زیرا وقف تحبیس‌الاصل و تسبیل ثمر است، لذا آنچه که انتفاع از آن موجب اتلافش می‌گردد، وقفش صحیح نیست، چون انتفاع دائمی از آن ممکن نیست» (زحیلی، ج ۱۸: ۱۶۲).

در کتب المغنی (ابن قدامه، ج ۵: ۳۷۳) و الکافی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل و مجموع الفتاوی (ابن تیمیة الحرانی، ج ۳۱: ۲۳۴) أحمد بن حنبل، دلیل بطلان وقف درهم و دینار چنین آمده است: «ما لا ينتفع به إلا بالاتلاف مثل الذهب والورق والمأكول والمشروب فوقه غير جائز؛ آنچه انتفاع از آن موجب اتلاف آن می‌گردد، مانند طلا و دینار و اسکناس و خوردنی و آشامیدنی، وقف آن جایز نیست».

سیوطی ریحیانی نیز علت بطلان وقف درهم و دینار را اتلاف عین آنها در صورت انتفاع از آنها می‌داند (سیوطی الریحیانی، ج ۴: ۲۸۰) «لا يصح وقف الدراهم والدنانير لينتفع بافتراضها لان الوقف تحبیس‌الاصل و تسبیل‌المنفعة و ما لا ينتفع الا فی الاتلاف لا يصح فيه ذلك».

نقد و بررسی

استدلال اتلاف عین پول در صورت وقف آن تمام نیست؛ زیرا «عین» در اینجا در مقابل «دین»، «منفعت» و «کلی» است که وقف آنها صحیح نیست (محقق حلی، ج ۳: ۴۴۴؛ شهید اول، ج ۲: ۲۶۸؛ شهید ثانی، ج ۳: ۱۷۳؛ سبزواری: ۱۳۹؛ البحرانی، ج ۲: ۱۷۶؛ طباطبایی یزدی، ملحقات عروة الوثقی: ۲۰۵؛ خوئی، ج ۲: ۲۳۹ و دیگران) نه اینکه مراد «اعیان» در مقابل «نقود» باشد.

«صاحب جواهر» در ذیل عبارت شرایع چنین فرموده است:

«فلا يصح وقف ماليس بعين كالدين معجلة ومؤجلة على الموسر و المعسر، و كذا الكلي كما لو قال: وقفت فرسا أو ناضحا أو دار أولم يعين؛ و ان وصفها بأوصاف

معلومة، بل و كذا المنفعة، لأن العين تطلق في مقابلا لثلاثة التسي لا يصح وقف
شيء منها؛ (نجفی: ۱۴) وقف آنچه عین نیست، صحیح نمی‌باشد؛ مانند دین که وقف آن صحیح نیست؛ خواه سررسید آن فرا رسیده باشد (حال باشد) یا خیر (مؤجل باشد) و خواه بدهکار توانایی ادای دین را داشته باشد و یا در تنگی به سر برد.

همچنین وقف کلی صحیح نیست؛ مثل اینکه بگوید: اسبی را وقف کردم، یا شتر آبکشی را وقف نمودم، یا خانه‌ای را وقف کردم؛ ولی آن اسب یا شتر یا خانه را تعیین نکند؛ گرچه آن را با اوصاف مشخصی توصیف کند و نیز وقف منفعت هم صحیح نیست.

دلیل بر بطلان وقف دین و کلی و منفعت این است که چنانکه گفته شد، موقوف باید عین باشد و عین در مقابل هر سه اینها استعمال می‌شود.

با توجه به اینکه در آیات شریفه قرآن از محدودیت وقف به «اعیان» اثری دیده نمی‌شود و حدیث نبوی «حبس الأصل و سبب الثمرة» و همچنین «إن شئت حبست اصله و سببت ثمرتها» نیز مؤید این امر است؛ مال موقوفه را با عنوان «اصل» مورد اشاره قرار داده‌اند نه «عین».

هر چند اکثر فقها «حبس العین» را به جای «حبس الأصل» مبنا قرار داده‌اند؛ اما باید در نظر داشت که بدیهی است «اصل» در این روایت اعم از «عین» است. علاوه بر این، در احادیث معصومان (علیهم السلام) نیز بارها از اصطلاح «مال» (و نه واژه عین) استفاده شده است و هیچ قید و الزامی مبنی بر ضرورت عین بودن مال موقوفه وجود ندارد.

در بررسی معنای واژه «اصل» نیز آن را ریشه، بن، بیخ و پی نامیده‌اند و در خصوص پول نیز ملاک اصل پول، ظاهر مادی آن نیست، بلکه ماهیت اعتباری و ارزش پذیرفته شده آن در سطح جامعه و افراد است و این امر در عرف به خوبی نمایان و بدیهی است؛ به نحوی که طلبکار در برابر طلب خویش هر نوع اسکناس را (خرد یا درشت) که بیانگر میزان ارزش و بهای طلب باشد، می‌پذیرد و ریز و درشت بودن اسکناس تأثیری در پرداخت ندارد.

مثلاً اگر به جای یک بسته هزار تومانی دو بسته پانصد تومانی بگیرد، هیچ اعتراضی نمی‌کند. سپرده‌گذار هم وقتی پول خود را از بانک می‌گیرد، اعتراضی نمی‌کند و در صورت اعتراض هم کسی به اعتراض اهمیت نمی‌دهد، چرا که عرف در این زمینه دوگانگی نمی‌بیند و اصل مال را حفظ شده می‌بیند.

در رفتار مربوط به امور بانکی نیز، عرف با واژه اصل و فرع پول آشناست و اصل پول را میزان و ارزشی برابر پول اولیه (با هر نوع و مدل اسکناس) می‌داند و فرع پول را به عنوان خسارت تأخیر یا عنوان سود یا عنوان کاهش ارزش در عمل می‌پذیرد و به کار می‌بندد.

از سوی دیگر اگر بپذیریم که مال موقوفه صرفاً باید از اعیان باشد، در خصوص مسائل جدید امروزی یا مواردی که در آینده بروز خواهد داشت، چگونه باید عمل کرد و نظر داد؟

به‌عنوان مثال وقف حق انتشار مقالات و کتاب به‌طوری که نویسنده آن هر چه از انتشار این مطلب به دست می‌آورد، برای امر خیر وقف کند. برای نمونه آیت‌الله اردکانی چاپ و زینگ کتاب «جواهر» را وقف کرده بودند که به طلاب اهدا شود یا منافع آن را برای کمک به دانشجویان علوم دینی به مصرف برسانند. جالب این است که متولی این وقف خود حضرت آیت‌الله گلپایگانی بوده است (خسروی، بی‌تا: ۱۳۴). در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که اساساً لزوم عینیت مال موقوفه در دیدگاه فقها و اصرار آنها بر «عین» در کنار صراحت حدیث بر «اصل» ناشی از چه بوده است؟

با مراجعه به دیدگاه‌های مختلف متوجه می‌شویم احتمال دارد که لزوم عینیت مال موقوفه در نظر افراد، ناشی از این باشد که برخی فقها (شهید ثانی، بی‌تا، ج ۵: ۳۱۸) اموال را به عین، دین و منفعت تقسیم می‌کنند و عین را در برابر دین و منفعت می‌شمارند.

بین وقف نقود و وقف سایر اعیان موقوفه، تفاوت وجود دارد. وقف نقود از قبیل وقف مالیت است و با وقف سایر اعیان که وقف رقبه مال است، تفاوت دارد. در وقف رقبه، اصل مال باید با وجود انتفاع باقی بماند، ولی در وقف مالیت، بقای مالیت با وجود انتفاع کافی است و با در نظر گرفتن مالیت و ارزش اقتصادی در روابط تجاری و مبادلات اقتصادی امروزه، پذیرفتنی است.

امروزه هیچ فردی در برابر تعویض پولش (چه در برابر آن پولی که به بانک سپرده و چه در برابر آن پولی که به فرد سپرده است) واکنش نشان نمی‌دهد؛ بلکه همین قدر که از نظر مالیت و ارزش برابری کند، برایش کفایت می‌کند و رضایتش حاصل خواهد شد.

با وصف فوق آیا می‌توان این مسئله را مطرح کرد که: «چه اشکال دارد کسی مثلاً یک میلیون تومان پول خود را وقف به قرض‌الحسنه کند. آن را در مرکزی مثل بانک

قرار دهد و از آنجا به عنوان قرض الحسنه در اختیار افراد قرار گیرد و قرض گیرندگان هم بعد از رفع نیاز یا در موعد مقرر، آن را برگردانند؟»

بدیهی است که منظور از ماندگاری و دیر پا بودن مال آن است که مال مورد نظر عمر طولانی داشته باشد، ولی مشخص است که هر مال، فناشدنی و زوال پذیر است. با این حال، بر اساس طبیعت امور، برخی از اموال دارای عمر کوتاهی هستند. مانند میوه و سبزیجات یا مواد فاسدشدنی.

از سویی سه نکته در این زمینه شایان ذکر است:

اول آنکه ضرورت دارد بین بقای عقد وقف و بقای مال موقوفه، تفکیک قائل شد و نباید خلط مبحثی روی دهد، به نظر می رسد شبهه حاصل، ناشی از عدم تفکیک این دو بحث است؛ زیرا آنچه مهم محسوب می شود این است که خود عقد وقف همیشگی و ابدی باشد، نه آنکه مال موقوفه همیشگی و ماندگار باشد.

دوم آنکه منظور از ماندگاری طولانی مال موقوفه، به روشنی مشخص نیست. سوم آنکه تأکید بیش از حد و اندازه در این زمینه و به عبارتی سختگیری کردن به این صورت مانع توسعه وقف و موجب روی گرداندن افراد جامعه خواهد بود. مواردی هم که در نگارش آثار فقها به عنوان تمثیل به چشم می خورد، خود بیانگر آنست که موضوع به این شدت مد نظرشان نبوده است. علاوه بر آن در صورتی که وجود چنین شرطی را مسلم بدانیم، با توجه به مثال های مندرج در کتاب های فقهی، به نظر می رسد اگر عرف، ملاک تشخیص «دوام» باشد، برخی حقوق نیز به اندازه کافی دوام داشته باشند که وقف شدنی باشند.

شایان ذکر است در زمینه پول، عرف و عقلا مالیت آن را به عنوان مفهومی مستقل از ذات مال (اسکناس) می انگارند (خسروی، مجموعه مقالات، ۱۳۸۶: ۵۲۳) و از سویی نیز در خصوص «وقف مالیت» برخی فقها (طباطبایی یزدی، تکمله العروة الوثقی، ج ۱: ۲۶۴) نیز فرموده اند:

«گرچه این نوع وقف، وقف مصطلح نیست، با توجه به عدم حصر معاملات در عناوین خاص و عقلایی بودن وقف و عدم رد شارع از آن، می توان این نوع معامله را تصحیح کرد؛ اگرچه مشمول وقف مصطلح قرار نگیرد.

از سویی فهم عرف آن است که در پول و اسکناس، مالیت و ارزش اعتباری آن ثمر دارد نه کاغذ مادی و ظاهر آن، زیرا عرف عقلا در برابر کاغذ اسکناس واکنش نشان

نمی‌دهند و فرقی نمی‌کند که ظاهر اسکناس نو یا تازه است یا چروکیده و خط خطی شده، مگر بنا بر علتی (مانند نداشتن گوشه‌ای از اسکناس) از اعتبار و مالیت خارج شده باشد.

با این وصف و وجود مواردی از مسائل نو و مستحدثه، انحصار وقف در اعیان قابل بازنگری است و اقدام به وقف صرفاً در اعیان قابل پذیرش نیست».

نتیجه‌گیری

۱. بر مبنای تعریف اکثر فقها، وقف عبارت است از «عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» و مدرک تمامی آنها در تعریف وقف حدیث نبوی «حَبَسِ الْأَصْلَ وَسَبَّلِ الثَّمَرَ» است. فقها به فراخور زمانشان بر واژه «عین» اصرار ورزیده‌اند؛ در حالی که در حدیث، واژه حبس «اصل» آمده است نه «عین» و این دو مترادف نیستند و اصل گستره و مفهومی عام‌تر را شامل می‌شود؛

۲. در خصوص مدرک تعریف وقف یعنی همان حدیث، حدیثی با واژه «عین» ملاحظه نشد و تماماً با واژه «اصل» ثبت گردیده است. پس اصرار بر این امر که مال موقوفه الزاماً باید عین باشد، جای تأمل خواهد داشت و اگر تعریف وقف - به سبب آنکه نصی در خصوص آن وجود ندارد - تغییرپذیر باشد و بتوان به جای واژه «عین» کلمه «اصل» را به کار برد، دامنه موضوعی اموال موقوفه گسترش می‌یابد و همچنین با لحاظ پذیرش اموال اعتباری (اسکناس) و وقف مالیت در عرف امروزی، موضوع وقف پول طرح‌شدنی و پذیرفتنی خواهد بود.

کتابشناسی

قرآن کریم.

[۱]. ابن ادریس، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق (و نرم افزار مکتبه الشاملة).

[۲]. ابن براج، عبد العزیز، *المهذب البارع*، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ ق. (و نرم افزار مکتبه الشاملة).

- [۳]. ابن تیمیه الحرانی، احمد بن عبدالحلیم (متوفی ۷۲۸هـ)، *مجموع الفتاوی*، عام الجزائر، ناشر: دار الوفاء، طبعة الثانية ۱۴۲۶هـ، عددالاجزاء ۳۷.
- [۴]. ابن جزی، محمد بن احمد، *قوانین الفقهیه*، بیروت، بی تا.
- [۵]. ابن زهره، حمزه بن علی، *غنیة النزوع إلى علمی الاصول و الفروع*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۴۰ ق.
- [۶]. ابن سعید الحلّی، یحیی، *جامع الشرایع*، قم، موسسه سید الشهداء العلمیه، محرم الحرام ۱۴۰۵ هـ ق.
- [۷]. ابن منظور، (وفات ۷۱۱ هـ ق)، *لسان العرب*، چاپ ۱۴۰۵ هـ ق، نشر أدب و الحوزة، قم، ایران.
- [۸]. ابن نجیم مصری، الشیخ زین الدین (۹۷۰ هـ ق)، *البحر الرائق*، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
- [۹]. ابن همام، محمد بن عبدالواحد، *شرح فتح القدير*، بیروت، دار الإحياء التراث العربی، بی تا. (و نرم افزار مكتبة الشاملة).
- [۱۰]. ابوالحسین أحمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، محقق عبدالاسلام محمد هارون، ناشر، دار الفکر، طبعة ۱۳۹۹ هـ ق، ۱۹۷۹ م، عددالاجزاء ۶.
- [۱۱]. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- [۱۲]. بحرانی، یوسف، *الحقائق الناظرة*، موسسه النشر الاسلامی، قم، محرم الحرام، ۱۴۰۵ هـ ق.
- [۱۳]. بررسی اندیشه های اقتصادى شهید صدر، (مجموعه مقالات، تهران دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۶ هـ ق).
- [۱۴]. بهتونی، منصور بن یوسف، *کشاف القناع عن متن القناع*، دارالفکر، ۱۴۰۲ ق.
- [۱۵]. تاجدارى، علی، *اقتصاد و مالیه عمومی*، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۷.
- [۱۶]. تسخیری، محمد علی، *پنجاه درس در اقتصاد اسلامی*، تهران، فرهنگ مشرق زمین، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- [۱۷]. الحصکفی، محمد بن علی، *الدرالمختصر* (مطبوع مع حاشیه ابن عابدین)، دار الفکر، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ.
- [۱۸]. حلّی، ابن ادريس، *السرائر*، وفات ۵۹۸ هـ ق، چاپ دوم، سال چاپ ۱۴۱۰ هـ ق، چاپخانه مطبعة مؤسسة النشر الاسلامی.
- [۱۹]. خسروی، محمد علی، *میزگرد وقف پول، همایش وقف در بازار سرمایه* (مجموعه مقالات).
- [۲۰]. خطیب شریینی، محمد، *معنی المحتاج إلى معرفة معانی الفاظ المنهاج*، قاهرة، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده، ۱۳۷۷ ق.

- [۲۱]. دمیاطی، ابی بکر ابن السید محمد، *اعانة الطالبین*، الناشر دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، مکان نشر بیروت.
- [۲۲]. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، چاپ دانشگاه تهران، بی تا، نرم افزار لغتنامه دهخدا، نسخه ۲.
- [۲۳]. رملی، محمد بن أبی العباس، *نهاية المحتاج*، قاهرة، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده. ۱۳۸۶ هـ ق.
- [۲۴]. زحیلی، وهبة، *الفقه الاسلامی و ادلته*، دمشق، دارالفکر، الطبعة الثانية ۱۴۰۵ ق، نرم افزار مكتبة الشاملة.
- [۲۵]. زهری الغمراوي، محمد، *السراج الوهاج علی متن المنهاج*، دارالطباعة والنشر بیروت، بی تا.
- [۲۶]. ساپراتاگاناگ، *اقتصاد پول در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه علی حسین صمدی، مؤسسه تحقیقاتی پولی و مالی، ۱۳۷۷ ش.
- [۲۷]. سبزواری، علی مومن، *جامع الخلاف والوفاق*، بی تا، (نرم افزار فقه اهل بیت^(ع)).
- [۲۸]. سرخسی، شمس الدین، *المبسوط*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ هـ ق. (و نرم افزار مكتبة الشاملة).
- [۲۹]. سیوسی، کمال الدین محمد بن عبدالواحد (ت ۵۸۱۶هـ) *فتح الغدير*، دارالفکر، بیروت، الطبعة الثانية.
- [۳۰]. سیوطی الرحیبانی، مصطفی، *مطالب أولی النهی فی شرح غایة المنتهی*، سنة الوفاة ۱۲۴۳ الناشر، المکتب الاسلامی، سنة النشر ۱۹۶۱هـ. مکان النشر، دمشق، عدد الاجزاء ۶، مصدر الكتاب فی موقع الاسلام.
- [۳۱]. شربینی الخطیب، محمد بن أحمد، *معنی المحتاج إلی معرفة الفاظ المنهاج*، قاهره، چاپخانه مصطفی البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۷۷ هـ ق.
- [۳۲]. شهید اول، محمد بن مکی، *الدروس الشرعیة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ هـ ق.
- [۳۳]. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی، *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، بی تا (و نرم افزار مكتبة اهل بیت^(ع)).
- [۳۴]. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، *تکملة العروة الوثقی*، بی تا (و نرم افزار مكتبة الشاملة).
- [۳۵]. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، *ملحقات عروة الوثقی*، قم، انتشارات داوری، بی تا (و نرم افزار مكتبة الشاملة).
- [۳۶]. طرابلسی، محمد بن عبدالرحمن، *مواهب الجلیل شرح مختصر الخلیل*، دار الفکر، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۸ هـ.

- [۳۷]. طرابلسی، إبراهيم بن موسى. *الأسعاف احكام الأوقاف*، بيروت. دارالرائد العربی. ۱۴۰۱. ق. (و نرم افزار مكتبة الشاملة).
- [۳۸]. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *الخلافة*، وفات ۴۶۰ هـ ق، چاپ الجزيرة، سال چاپ ۱۴۱۱ هـ ق، چاپخانه مؤسسة النشر الاسلامی، تابعة الجماعة المدرسين بقم.
- [۳۹]. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ۸ جلد، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، ایران، سوم، ۱۳۸۷ هـ ق.
- [۴۰]. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ پنجم.
- [۴۱]. قیومی المقری، احمد بن محمد بن علی، *مصباح المنیردراسة والتحقیق یوسف الشیخ محمد*، ناشر مكتبة العسوية، تك جلدی؛ مصدر الكتاب، موقع مكتبة المدنية الرقمية.
- [۴۲]. كبیسی، محمد، *احكام وقف در شریعت اسلام*، ترجمه صادق گلدر، مازندران، ۱۳۶۴ ش.
- [۴۳]. گلپایگانی، سید محمد رضا، *مجمع المسائل*، بی نا، بی جا، بی تا.
- [۴۴]. الماوردی، علامه ابوالحسن، *الحاوی الکبیر*، دار النشر، دار الفکر، بیروت، عدد الاجزاء ۱۸، ملهوفه مهمة، کتاب موافق لطبعة دار الفکر و ترقیم الاجزاء و الصفحات مذکور داخل صفحات الكتاب.
- [۴۵]. محقق حلّی، ابی القاسم، نجم الدین جعفر بن الحسن الهمندی، *شرايع الاسلام*، وفات ۶۷۶ هـ ق، چاپ دوم، سال چاپ ۱۴۰۹ هـ ق، چاپخانه امیر قم، ناشر انتشارات استقلال تهران.
- [۴۶]. محقق حلّی، ابی القاسم، نجم الدین جعفر بن الحسن الهمندی، *المختصر النافع*، قم، مؤسسة البعثة، چاپ ۱۴۱۳ هـ ق.
- [۴۷]. محقق کرکی، علی بن الحسین، *جامع المقاص*، وفات ۹۴۰، چاپ اول، سال چاپ ۱۴۱۰ هـ ق، چاپخانه مهر قم، ناشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام، لاهياء والتراث، قم.
- [۴۸]. مذنی، اسماعیل المذنی، *المختصر*، وفات ۲۶۴ هـ ق، ناشر دارالمعرفة للطباعة والنشر. (و نرم افزار مكتبة الشاملة).
- [۴۹]. مرداوی دمشقی الصالحی، علاء الدین ابوالحسن علی بن سلیمان، *الانصاف فی معرفة الراجح من الخلافة علی مذهب الامام احمد بن حنبل*، متوفی ۸۸۵ هـ ق، ناشر دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ ق.
- [۵۰]. مغنیه، محمد جواد، *الفقه علی المذاهب الخمسة*، موسسه دار الكتب الاسلامی، قم، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق.
- [۵۱]. المقدسی، محمد بن أحمد بن قدامة، *الكافی فی فقه الامام أحمد بن حنبل*، تحقیق زهیر الشادیش، المكتب الاسلاحي، بیروت، الطبعة الخامسة، ۱۴۰۸ هـ ق.
- [۵۲]. المقدسی، محمد بن أحمد بن قدامة، *الشرح الکبیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ ق.

- [۵۳]. المقدسی، محمد بن أحمد بن قدامة، *المعنى على المختصر المزنى*، بيروت، دارالطبع العالمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ق.
- [۵۴]. ملیباری، عبد العزیز، *فتح المعین لشرح قرة العین بمهمات الدین*، وفات ۹۸۷ م، چاپ اول، سال چاپ ۱۴۱۸ ه ق، ناشر دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، لبنان.
- [۵۵]. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، بی تا.
- [۵۶]. نجفی، محمد حسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، نرم افزار جامع فقه اهل بیت

[57]. [www.makaremeshirazi. orj/Persian/estefta](http://www.makaremeshirazi.orj/Persian/estefta)

نرم افزارها

- [۵۸]. جامع فقه اهل بیت^(ع)، نرم افزار کتابخانه بزرگ فقه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، موسسه خدمات کامپیوتری نور.
- [۵۹]. لغت نامه دهخدا، نسخه ۲، موسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران.
- [۶۰]. مکتبه الشاملة، نرم افزار کتابخانه بزرگ فقه شیعه و اهل سنت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی